

فیض و برکت خداوند همراه با شما باشد. آمین.

اعمال ۲، ۴۱ - ۴۷

پس پیام او را پذیرفتند و تعمید گرفتند. در همان روز حدود سه هزار تن بدیشان پیوستند. 42 آنان خود را وقف تعلیم یافتن از رسولان و مشارکت و پاره کردن نان و دعا کردند. 43. اما بهت و حیرت بر همه مسئولی شده بود، و عجایب و آیات بسیار به دست رسولان به ظهور می‌رسید. 44. مؤمنان همه با هم به سر می‌بردند و در همه چیز شریک بودند. 45. املاک و اموال خود را می‌فروختند و بهای آن را بر حسب نیاز هر کس بین همه تقسیم می‌کردند. 46. ایشان هر روز، یکدل در معبد گرد می‌آمدند و در خانه‌های خود نیز نان را پاره می‌کردند و با خوشی و صفای دل با هم خوراک می‌خوردند. 47. و خدا را حمد می‌گفتند. تمامی خلق ایشان را عزیز می‌داشتند؛ و خداوند هر روزه نجات‌یافتگان را به جمعشان می‌افزود.

چه کاری شگفت‌انگیزی را خدا در زمان پنطکاست ایجاد کرد! لوقا همه آن را توصیف کرد! خدا از طریق روح خود اولین کلیسا را بنا کرده بود. آن کلیسا با شهادت خود عمل شگفت‌انگیز کرد، به طوری که خداوند هر روز کسانی را که نجات یافتند به کلیسا اضافه کرد. اولین کلیسا به سرعت فعالیت کار انجیل را آغاز کرد. چگونه می‌توان در برابر همه رویدادها که اعمال رسولان ذکر کرد ساکت بماند؟ آشکار است که همه چیز که در آن زمان اتفاق افتاده بود تنها واکنشی ساده از کار بزرگ خدا بود. کلیسا نخست یک جامعه پر جنب و جوش بود. اما خوشبختانه یک انجمن کلیسا با اساس کار موفق انسان بنا نشده بود. کلیسا، از آنچه خود خداوند به کلیسای خود می‌دهد و قادر می‌سازد زندگی می‌کند. فقط باید بفهمیم که با بهترین امکانت ما آن کار خدا را قبول می‌کنیم. حتی اولین کلیسا فقط از قهرمانان ایمان تشکیل نمی‌شد. کلیسا مثل کشتی است که قوی نیست، نه به دلیل این که چقدر بزرگ و زیبا به نظر می‌رسد بلکه به دلیل اینکه توسط پرچ‌های زیادی تشکیل شده است. این واقعیت باید ما را از هر گونه غرور، از هر گونه خودخواهی، خود بزرگ بینی و همچنین از هرگونه ریاکاری رها کند. کلیسا با وجود همه مشکلات ما امروز نیز زنده است. چرا؟ عزیزان، تنها به دلیل این که ارباب قدرتمندی در کلیسا وجود دارد! همان پروردگاری است که اولین جماعت را جمع کرده، آن را آماده نموده و بر هدایای او برکت داده. آنچه لوقا در اینجا برای ما توصیف می‌کند، مراسم کلیسای اولیه است. او توضیح کرد چگونه این پرستش در زندگی روزمره ادامه دارد. کلیسا بر اساس فعالیت‌های خود زندگی نمی‌کند، بلکه بر اساس آنچه خدا به آن ابلاغ می‌کند زندگی می‌کند. اگر خود کلیسا فعال شود، پس این پاسخ اعمال خداست. اگر محبت در کلیسا وجود دارد پژواک کار خداست. و ما آن کار را از احساس شکرگزاری انجام می‌دهیم. از طریق مراسم عبادت کلام خدا به دنیا می‌آید. مردم کلام خدا را اعلام می‌کنند و به عیسی مسیح اشاره می‌کنند. کلیسا به قربانی شدن عیسی بر روی صلیب اشاره می‌کند. عیسی که به عنوان جایگزینی برای گناهان جهان مرد. کسانی که کلام را می‌پذیرند و این کلمه را باور می‌کنند و مطیع آن هستند، غسل تعمید را دریافتند. آنها در بدن مسیح تعمید می‌یابند. آنها طبق روح مسیح زندگی می‌کنند. غسل تعمید از یک طرف آخرین گام در زندگی بدون مسیح است از طرف دیگر قدم اولی با مسیح است. به این دلیل غسل پایان زندگی نیست بلکه شروع یک زندگی جدید است. زندگی در کلیسا همیشه، در بدن مسیح است. در غیر این صورت یک مسیحی نمی‌تواند بدون مسیح زندگی کند و نمی‌تواند زنده بماند. او باید بر اساس آنچه مسیح به او می‌دهد به زندگی ادامه دهد. یک مسیحی مجبور نیست در مراسم کلیسا شرکت کند، اما شرکت می‌کند. چگونه می‌تواند از مکانی که خدا در آن یافت می‌شود جدا شود؟ مسیحیان اولیه در تعلیم رسولان پس از غسل تعمید به مسیح ملحق شده‌اند و ما به کلمه‌ای که آنها را رستگار کرد، دنبال می‌کنیم. ما باید مشتاق و پایدار و مستمر به دنبال کلام و رمز و راز خدا باشیم. ما به چیزی ثابت نیاز داریم، تمرین، چسبیدن به آن، تماس بی‌پایان با مسیحیت زنده. هر جا که مسیحیت زنده وجود داشته باشد خدا نیز وجود دارد. برادران و خواهران کاتولیک رومی ما تکلیف‌های یکشنبه دارند. ما لوتری‌ها چنین قانونی نداریم و بنابراین عادت داریم که هیچ دستور در مسیحیت نیست. به این دلیل نادیده گرفتن فرمان سوم - که شما باید روز صَبَّت را تقدیس کنید - در بین ما مسیحیان به ندرت به عنوان گناه دیده می‌شود. این امر منجر به این کار است که فرد به طوری کلی روز صَبَّت را می‌شکاند. به هر حال، لوقا در مورد تعلیم رسولان صحبت می‌کند که تعلیم در اهمیت است. فقط متعصبان فکر می‌کنند که نیازی به رسولان ندارند و نه کسانی که خدمت کلیسا را انجام می‌دهند. البته، این جایگزین خواندن شخصی کتاب مقدس نمی‌شود، اما آن را در مقابل موعظه به عنوان مکمل و اصلاح‌کننده قرار می‌دهد. شام آخر، از همان ابتدا بخشی از مراسم است. اعضا با خوردن و نوشیدن بدن و خون مسیح، در خداوند شریک هستند. و کلیسا

با دعا به خداوند پاسخ می دهد. این دعا از مزامیر گرفته است. هر جا که ما دعاهایی را در عهد جدید پیدا کنیم، مانند دعاهای خود عیسی، آنها توسط مزامیر و اعتقادات مسیحی شکل گرفته اند. اما آنها نیز مختص شادی ها و نیازهای جامعه و محیط هستند. جماعت باید بدانند که در دعا های شان در خدمت به دنیا هستند. برای همه مردم، همچنین برای کسانی که نمی توانند خودشان دعا بخوانند. سپس معجزات و نشانه های بسیاری در کلیسا رخ داد، آن زمان مانند اکنون. معجزاتی که مردم عیسی را می یابند، که مردم شفا می یابند، تا دیگران در آنها ببینند که ارزش زندگی با عیسی را دارد. و معجزه ای که مسیحیان در طول زندگی خود به پروردگار خود وفادار می مانند. اگر شروع کنیم به گفتن معجزاتی که قبلاً تجربه کرده ایم، به این زودی ها تمام نمی شوند، لوقا در اینجا معجزه های را با جزئیات بیشتری به ما می گوید: اینکه هر مؤمنی، حتی در حد امکانتش برای کمک به دیگران کاری انجام داده است. آنها دارایی خود را قرض خداوند می دانستند که نه تنها مالک آنها بودند، بلکه باید به دیگران نیز کمک کنند. شاید ما در اینجا چیزی از سرزندگی کلیسای اول را از دست داده ایم. ما اغلب چنان زندگی می کنیم گویا هر چیز تنها مال ماست. ما کاملاً به دنیا وابسته می شویم. استانداردهای خودمان را اغلب تنها برای خودمان حفظ می کنیم و دست همسایه خود را باز نمی گزاریم. اما برای انجام این کار باید نیازهای دیگران را نیز حفظ کنیم. برای انجام این کار باید اجازه دهیم دیگران در نیازهای ما سهیم باشند. به هر حال، اگر به سختی با همدیگر ارتباط برقرار می کنیم، از کجا باید در مورد همدیگر بدانیم؟ کمک متقابل توسط عشق تجربه شده ی مسیح شکل می گیرد. عشق با دیدن و شنیدن و کشف دیگری آغاز می شود. برای این منظور، اجتماع در جماعت نباید محدود به عبادت باشد. اولین مسیحیان هر روز با هم در معبد بودند، اما در خانه ها هم شام آخر بر گزار می کردند. و با شادی و دلی پاک غذا می خوردند. چقدر مهم است که همدیگر را ملاقات کنیم و همدیگر را به صرف غذا دعوت کنیم؟ این در مورد کالری نیست، بلکه در مورد جامعه مشترک است. برای من کاملاً واضح است که چگونه یک جوان مسیحی در هاله، که تازه وارد شده بود و به همین دلیل با کسی ارتباط نداشت، بارها توسط اعضای کلیسا دعوت شد. به این ترتیب او کلیسا را از درون شناخت و اعضای کلیسا او را شناختند. خوب است اگر بتوانیم مانند کلیسای اول زندگی کنیم. با این حال، خوشبختانه، کلیسا از آنچه ما موفق می شویم زندگی نمی کند و از آنچه ما شکست می خوریم از بین نمی رود. کشتی توسط پرچ ها به هم متصل می شود، پرچ هایی که از آنچه خود خداوند به ما می دهد زندگی می کنند. بیایید این موهبت های خدا را درک کنیم و آنها را بپذیریم. ما نمی توانیم ثروتمندتر از پروردگارمان که خود را به ما می دهد، عطا کنیم. آمین

و سلامتی خدا که از هر فهمی برتر است، دلها و افکار خود را در خداوند ما عیسی مسیح حفظ کنید.